

انقلاب کارگری

شماره ۱

کارگران جهان متحد شوید!

۲۴ آذر ۱۳۸۲ - ۱۵ نوامبر ۲۰۰۳

کارگران پتروشیمی پیش‌تاز مبارزه علیه بیکارسازیها

متن مصاحبه رادیو انترناسیونال با شهلا دانشور و کاظم نیکخواه



در میان اعتصابات دیگر که هر روز تقریباً در ایران در جریان است از اهمیت مهمی برخوردار است از جمله پتروشیمی جزو صنایع وابسته به وزارت نفت است. شهلا دانشور چرا جمهوری اسلامی سریع عقب نشینی کرد و طرحش را پس گرفت. **شهلا دانشور:** بله دقیقاً همینطور است. اعتصاب پتروشیمی یک نمونه است،

صفحه ۲

دادند که دولت باید این طرح را پس بگیرد بعداً رئیس پتروشیمی ناچار شد در برابر اعتراض کارگران نامه ای بدهد و بگوید که کارگری به بخش خصوصی منتقل نمیشود. اما این پاسخ کارگران را قانع نکرد و کارگران همچنان به اعتراضاتشان ادامه میدهند.

سیاوش دانشور: اعتراض پتروشیمی به نظر میرسد

سیاوش دانشور: آخرین اخبار از اعتراضات و اعتصابات کارگری در مجتمع های پتروشیمی چی هست، کاظم نیکخواه آخرین خبری که شما دارید، چیست؟

کاظم نیکخواه: آخرین خبر اینست که اعتراضات کارگران در مجتمع های خارک، اصفهان و اراک همچنان ادامه دارد و کارگران تاکید دارند که دولت رسماً تصمیمش مبنی بر انتقال کارگران پتروشیمی از صنعت نفت به بخش خصوصی را پس بگیرد. همانطور که اطلاع دارید این اعتراضات از شنبه ۵ آبانماه و از تجمع و اعتراضات کارگران خارک شروع شد و بعد در مجتمع های اصفهان و اراک هام کارگران دست به اعتصاب و تجمع زدند و التماس

سردبیر

سخنی برای شروع



امیر توکلی

افق و این جهتگیری است. نشریه «انقلاب کارگری» سعی میکند کمونیسیم کارگری را افق فعالیتهای خود قرار دهد. این نشریه به مبارزات جاری کارگری میپردازد و با فعالین جنبش کارگری و کمونیسیتی مصاحبه میکند. اما از طرف دیگر بخشی از نشریه به ترویج مارکسیسم، علم رهایی طبقه کارگر اختصاص دارد. لذا صفحات نشریه تلفیقی از اخبار مبارزات کارگری و همچنین ترویج پایه های مارکسیسم است. بجا دیدیم که از این شماره از مارکس و منصور حکمت شروع کنیم. از کاپیتال شروع می کنیم که میرود تا رنگ قرن جدید را به رنگی که مارکس دوستش میداشت تبدیل کند، رنگ سرخ. در قرن بیست و یکم مارکس به زبان خودش سخن میگوید و این لحظه ای باشکوه است که اهداف مارکس که همان رهایی بشریت از کارمزدی و استثمار است ابتدا از ایران به جهان مخابره شود. به امید نشریه ای مفید و موثر شمر در این راه.

اوضاع پر تحول ایران با شتاب به سوی تعیین تکلیف نهایی نزدیک میشود. طبقات مختلف جامعه بشکل فعالی خود را در تاثیرگذاری بر این آینده دخیل کرده اند. هر کدام با برنامه ای برای یک سویه کردن اوضاع به نفع خود فعالیت میکنند. جامعه هر روز قطبی تر و با برنامه تر میشود. در این میان بورژوازی جهانی از وحشت انقلاب مردم به یاری جمهوری اسلامی آمده است و دولت اسلامی در بن بست عمیق و علاج ناپذیری قرار گرفته است. اما صف کارگران و مردم آزادیخواه هر روز فشرده تر و هدفمندتر میگردد و این دریچه ای باشکوه برای پیش رفتن بسوی دنیایی بهتر و انسانی است. نشریه «انقلاب کارگری» در خدمت این

**کارکنان پتروشیمی خارک
روز دوشنبه اعتصاب میکنند**

صفحه ۳

بازخوانی کاپیتال مارکس

**سخنرانی منصور حکمت
در انجمن مارکس لندن
فوریه ۲۰۰۱**

صفحه ۶

زنده باد جمهوری سوسیالیستی

مرگ بر جمهوری اسلامی

ادامه

کارگران پتروشیمی

نمونه دیگر اعتصاب ایران خودرو است که در این دوماهه اخیر کلا اعتراضات به مراکز اصلی تری کشیده شده است و یک فضای جدیدی را ما در جنبش کارگری می بینیم و این طبعاً تاثیر مستقیم میگذارد روی عکس العمل رژیم. مساله این است که مساله بیکارسازی ها و اصلاح ساختار صنعت نفت اینها بحثهای جدیدی نیست. رژیم از سال ۷۰ شروع کرد به بیکارسازی و مساله اصلاح ساختار صنعت نفت هم سال ۷۷. از سال ۷۷ تا الان چند بار بصورت خزنده این مساله پیش رفته و رژیم هر بار عقب رفته تا الان که دوباره مطرح می کند. مساله این است که این یک بن بست اقتصادی برای رژیم است. یکی از مسائل رژیم کسر بودجه ای است که این را هم اعلام کرده است. با اجرای خصوصی سازیها و با اجرای اصلاح ساختار صنعت نفت و با همه اینها می خواهد بخشی از این کسر بودجه را تامین کند. این برای رژیم مساله هست و نیست است، به سیم آخر زده این بازی با آتش است رفتن به سراغ کارگران نفت. یک بخشی که نقش کلیدی در اقتصاد جامعه

پالایشگاه آبادان را به بخش خصوصی واگذار کند که کارگران اعتراض کردند و فوری پس گرفت. و اعلام کرد که کارگران نفت به جای دیگری منتقل خواهند شد. و گام به گام عقب نشینی کرد. الان در همین مساله هم اینطور است. واقعیت این است که اعتراض کارگران پتروشیمی راه نشان داد و قدرت کارگران نفت را در اوضاع سیاسی امروز ایران و در جنبش کارگری نشان داد. **سیاوش دانشور:** کاظم نیکخواه جمهوری اسلامی با آن قاطعیتی که بطور مثال

و مالی اینکار را بکند. این به هیچ وجه از قدر قدرتی یا وضعیت غالبش نیست که سراغ کارگران نفت می رود بلکه یک نوع درماندگی و افلاس مالی و بی برنامه گی و بی سازمانی که کلا مشکلات مالی اش است که ناچارش می کند دست به این ریسک خطرناک بزند. وزنی که کارگران نفت دارند و همیشه در اقتصاد ایران داشتند باعث میشود که همه دولتها هواسشان باشد که محتاطتر باشند به کارگران نفت. باید از آنطرف سوال را مطرح کرد که جمهوری اسلامی چگونه

بنظرم دفاع نباید کرد، دفاع کافی نیست. باید تعرض کرد حقوقی مثل حق اعتصاب، حق تشکل آنقدر بدیعی اند که سالهاست در سطح جهان برسمیت شناخته شده است. حتی پادوهای جمهوری اسلامی بعضا مطرح میکنند که کارگر باید حق اعتصاب داشته باشد. چرا و کی کارگر ایران با آن قدرت و توان و ظرفیتی که دارد می خواهد محکم بایستد و بگوید من حق اعتصابم را می خواهم، حق تشکلم را می خواهم.

بخشهای دیگر کارگری است. صنعت نفت با سابقه اعتراض که به دنبال خودش داشته رژیم را محتاط میکند و ناچار است که فوراً عقب نشینی کند. ما این برخورد در مورد خصوصی سازی ها در پالایشگاه آبادان هم دیدیم عیناً همین کار را کردند. اعلام کردند که می خواهند

سراغ کارگران نساجی ها می رود نتوانسته با کارگران صنایع وابسته به نفت برخورد کند. در چند سال اخیر همانطور که شهلا دانشور مورد اشاره اش بود اینها تست کردند و سراغ بخش های مختلف و شاخ و برگهای صنعت نفت رفتند، چه هدفی را دنبال میکنند با این که این نگرانی را دارند چرا مستقیماً سراغشان می روند. راه مقابله با آن در مورد صنعت نفت چه است؟

کاظم نیکخواه: نکات متعددی در سوال شما بود. اولین نکته در رابطه با جمهوری اسلامی سراغ کارگران نفت می رود و یا با احتیاط سراغ آنها می رود روشن است همانطور که شهلا دانشور هم اشاره کرد دلش این است که جمهوری اسلامی ناچار است که از نظر اقتصادی

جرات میکند سراغ کارگران نفت برود. جواب این است که از بن بست و مشکلاتش است. وضعیت طوری است که کارگران از ساده ترین حقوقشان محروم هستند و جمهوری اسلامی در وضعیت سیاسی نابسامانی است و وقتش است که کارگران با تعرض به جمهوری اسلامی دست بزنند. همین تاخیر در تعرض به جمهوری اسلامی است که اجازه میدهد به رژیم که داغون است از نظر اقتصادی، سیاسی و اقتصادی برود سراغ کارگران و بخواهد کارگران را اخراج کند و یا بیکار سازی کند آنهم در کلیدی ترین بخش تولید آن جامعه. **سیاوش دانشور:** معنای این تعرض چه هست: **کاظم نیکخواه:** بنظرم دفاع نباید کرد، دفاع کافی نیست.

باید تعرض کرد حقوقی مثل حق اعتصاب، حق تشکل آنقدر بدیعی اند که سالهاست در سطح جهان برسمیت شناخته شده است. حتی پادوهای جمهوری اسلامی بعضا مطرح میکنند که کارگر باید حق اعتصاب داشته باشد. چرا و کی کارگر ایران با آن قدرت و توان و ظرفیتی که دارد می خواهد محکم بایستد و بگوید من حق اعتصابم را می خواهم، حق تشکلم را می خواهم. یا در رابطه با دستمزد من فکر میکنم کارگران باید چندین صد درصد، چندین برابر دستمزدشان افزایش یابد وقتی که خود مقامات جمهوری اسلامی دارند میگویند که کارگر زیر خط فقر زندگی میکند کارگر باید دست به تعرض بزند. بویژه کارگران نفت این امکان را دارند که بگویند ما افزایش دستمزد می خواهیم. وقتی این تعرض صورت نگیرد جمهوری اسلامی هم بخودش اجازه میدهد حتی در بدترین وضعیت که دارد تلاش بکند که بار مشکلات اقتصادی را روی دوش کارگران بیاندازد. بجای اینکه زیر ضرب کارگران قرار بگیرد کارگر را بیاندازد در موضع دفاعی. بنظر من معنی اینکه کارگران پاسخ بدهند یعنی کارگران دست به تعرض بزنند. ابتدایی ترین خواستههایشان را مطرح کنند و بگیرند، میشود گرفت خیلی طبیعی است از نظر بین المللی از نظر حقوق انسانی از نظر سازمانهای کارگری و تعهداتی که حتی جمهوری اسلامی امضایش کرده است.

سیاوش دانشور: شهلا دانشور سوالی که در مقابل کارگر قرار میگیرد مساله امنیت شغلی است. امنیت شغلی **صفحه ۳**

انقلاب کارگری

شنبه ها منتشر میشود

سردبیر: امیر توکلی

تلفن:

00 358 405 821 776

ایمیل:

tavakoli@hotmail.com

ادامه

کارگران پتروشیمی

مطالبه ای بوده که برای دوران طولانی در جنبش کارگری در کشورهای مختلف مطرح بوده در ایران با این وضعیت اقتصادی با این وضعیت سیاسی امنیت شغلی را چگونه میتوانند کارگران به کرسی بنشانند با توجه به سیاستهای که جمهوری اسلامی دنبال میکند؟

شهلا دانشور: سوال جالب و بجایی است، برای اینکه الان مساله فوری و در

باید اخراجها متوقف شود، ممنوعیت اخراج باید خواست کارگران بشود. اجازه ندهند که کارگر را با قراردادهای یکنفره و فردی در انزوا قرار دهند و شرایط برده وار کار را به او تحمیل کنند به همین دلیل قراردادهای دستجمعی با نمایندگان منتخب کارگران و قرار دادن کل دولت و کارفرماها که جوابگو باشند به این مساله. اینها همه مجموعه ای هستند که

صنایع مثل ماشین سازیها بویژه نساجی ها مساله بیکار سازی و همینطور مساله خصوصی سازی با عناوین مختلفی کارگران را امروز بیکار میکنند از جمله عنوان میکنند در بخشی از صنایع که سودده نیستند تا به صنعت نفت بر میگردد صدق نمیکند تفاوت در این صنایع چیست و چه تفاوتی را در برخورد کارگر به دولت و سرمایه داران در نظر گرفت؟

کاظم نیکخواه: با اجازه تان اول به مساله امنیت شغلی

تغییر تکنیک باید بنفع موقعیت بهتری برای کارگر باشد حاصل سالها کار کارگر است که تکنیک در جامعه تغییر میکند و جامعه پیشرفت میکند، ولی بجای اینکه حاصل این پیشرفتهای به جامعه و به کارگر برسد به جیب یک مشت آدمهای مفتخور و سرمایه دار میرسد

دستور کارگران است با شرایطی که جمهوری اسلامی فراهم کرده و با تهاجماتی که مرتباً در این سالها ما شاهدش بودیم به زندگی و معیشت کارگر وارد کرده است. به همین دلیل این مساله خیلی فوری است خیلی مهم است و مهمترین شکل مقابله با این مساله همان کاری است که کارگران پتروشیمی کردند کارگران پتروشیمی گفتند که ما ماشین نیستیم که ما را با دستگاهها منتقل کنید و خواهان روشن کردن وضع استخدام خودشان و مساله امنیت شغلی خودشان شدند. گفتند وزارت نفت باید به ما جوابگو باشد. مساله این است که کارگران با اتحادشان با مبارزاتشان بایستند. دست کارفرما نباید باز باشد در اخراج کارگر

میتواند آن امنیت شغلی را تامین کند. مثلاً در ایران خودرو مساله فوری کارگر امنیت شغلی بود استخدام بشکل قراردادهای فردی شرایطی را بوجود آورده که کارگر ناچار شود به شرایط سخت تن دهد. در صورتی که ممنوعیت قراردادهای فردی، ممنوعیت اخراج، و قرارداد دستجمعی، حق تشکل و اعتصاب مجموعه اینها آن شرایطی را بوجود میآورد که کارگر بتواند ایمنی شغلی داشته باشد. اگر در خطر قرار بگیرد بتواند اعتصاب کند بتواند حرکتی را سازمان دهد در مقابل این مساله. اینها همه ضامن امنیت شغلی برای کارگر است در شرایط امروز.

سیاوش دانشور: کاظم نیکخواه در بخشهای دیگر

اشاره ای بکنم بحث بر سر یکسری قوانینی است که بطور رسمی باید برسمیت شناخته بشود. یکی از آنها ممنوعیت اخراج توسط کارفرماهاست قراردادهای جمعی است که طرفش نمایندگان منتخب کارگران باشد و یکی هم بیمه بیکاری مکفی است که کارگر زیر این ضرب نباشد که اگر اخراج شد بی خانمان و بی مسکن و گرسنه میماند و دیگری حق اعتصاب و تشکل است. کارگری که حق اعتصاب و تشکل نداشته باشد میتواند هر بلایی سرش بیاورد. کارگری که نتواند اعتصاب کند نتواند جمع بشود میتواند هر قراردادی را هر قانونی را زیر پا بگذارند و بدیهی ترین حقوقش را زیر پا بگذارند و نتواند کاری بکنند. بنابراین برای امنیت شغلی کارگران حالا اگر بطور

صفحه ۴

اخبار

کارکنان پتروشیمی خارک روز دوشنبه اعتصاب میکنند

کارکنان پتروشیمی خارک روز بیست و شش آبان دست به اعتراض میزنند و چنانچه با بی تفاوتی مسئولان مواجه شوند احتمالاً سطح تولید را در روزهای آینده کاهش خواهند داد. یکی از نمایندگان کارکنان پتروشیمی خارک میگوید «خصوصی سازی واحدهای پتروشیمی اشتغال بیش از چهارهزار نفر از کارکنان مجتمعهای اراک، اصفهان، آبادان و خارک را با خطر مواجه میکند. در صورت منفک شدن کارکنان پتروشیمی از وزارت نفت، هیچ تضمین و اطمینانی برای کار کردن ما وجود ندارد.»

از اعتراضات کارکنان پتروشیمی

دو روز قبل حدود ۷۰۰ نفر از کارکنان پتروشیمی اراک در سالن آمفی تئاتر این شرکت تجمع کردند. در این تجمع مدیر پتروشیمی اراک با ارائه یک مهلت ۴ ماهه به کارکنان پتروشیمی خصوصی شده اراک برای انتقال به دیگر پتروشیمی های دولتی خبر داد. او تاکید کرد که قطعی شدن این مهلت به تصویب در هیات وزیران بستگی دارد. کارکنان پتروشیمی برای پیگیری مطالباتشان یک هیات ۲۰ نفره را انتخاب کردند. آنها میگویند که وزارت نفت نمیتواند یکجانبه قرارداد استخدامی آنها را فسخ کند و آنها را همراه با ماشین آلات به بخش خصوصی انتقال دهد. کارکنان پتروشیمی شدیداً به این انتقال معترض اند. همچنین در اصفهان و خارک هم مخالفتهای شدیدی با خصوصی سازی پتروشیمی در این شهرها در جریان است.

کارگران اخراجی پالایشگاه آبادان دست به تجمع زدند

روز ۲۲ آبانماه صدها نفر از کارگران بازنشسته پالایشگاه آبادان در مقابل کارگزینی این پالایشگاه تجمع کرده و به اعتراض پرداختند. این کارگران نسبت به عدم واگذاری خانه های سازمانی به آنها که وعده آن داده شده بود و بابت آن کارگران هر کدام ۲ میلیون تومان ودیعه پرداخت کرده اند، معترضند. به آنها گفته شده است که باید ۹ میلیون تومان ودیعه پرداخت کنند. با شنیدن این خبر همه کارگران همراه با خانواده هایشان تجمع کرده و اعتراض شدید به

صفحه ۴

ادامه کارگران پتروشیمی

مشخص بخواهیم اشاره بکنیم باید ممنوعیت اخراج توسط کارفرماها، بیمه بیکاری مکفی و حق تشکل و اعتصاب را بکرسی بنشانیم. اما در مورد خصوصی سازی و مساله نساجی ها اشاره کردید، تا آنجا که به اقتصاد ایران برمیگردد نساجی ها در حال ورشکستگی هستند. نساجی ها از تکنیک عقبی برخوردارند و بازارشان در واقع کساد است و مشکلات زیادی دارند که خیلی هاشان تعطیل شدند و یا دارند تعطیل میشوند. کارگران این نساجی ها توسط دولت و بخش خصوصی اخراج میشوند و خیلی از آنها حقوقهایشان پرداخت نشده ماهها و سالهاست. وضعیت با صنایع نفت و پتروشیمی فرق میکند اینها در حال انقراض نیستند برعکس اینها صنایع کلیدی هستند و اینها میخواهند سود دهی شان را بالا ببرند. تکنیک بالاترین را میخواهند بکار بگیرند. در نتیجه اینجا بحث سر تعطیل کارخانه ای نیست. بحث سر این استکه بخشی از کارگران را اخراج بکنند، کارگران را در گروهای پراکنده قرار دهند و در عین حال آن وزن و جایگاه تعیین کننده ای که دولت و کارفرماها همیشه وحشت دارند از کارگر نفت را تغییر دهند ساختار نفت را نه فقط تکنیکی بلکه از نظر کارگری اش هم میخواهند

تغییر بدهند. سالها پیش کارگران نفت را بعنوان کارمند مطرح کردند که دقیقا هدفشان همین بود. تا آنجا که به کارگران برمیگردد در هر موردی چه به خصوصی سازی در نساجی ها برمیگردد و چه در رابطه با صنایعی مثل نفت. برای کارگر مهم نیست که کارفرمایش خصوصی باشد یا دولتی. کارگران تجربه شان نشان داده که کارفرما و سرمایه دار اگر زورش برسد کارگر را می برند به سطح بردگی و برده وار میخواهند ازش کار بکشند. کارگران باید از حقوقشان از حقوق انسانی شان دفاع کنند ولی موضوع جالب در اعتراضات کارگران پتروشیمی اینستکه آنها درگیر این بحث که آیا کارخانه پتروشیمی باید خصوصی بشود یا نه، نشدند. گفتند ما کارگریم ما با صنعت نفت قرارداد داریم و ما از حقوقمان میخواهیم دفاع کنیم و اجازه نمیدهیم حقوق ما را به این دلیل که شما کارخانه را فروختید زیر پا گذاشته شود. باید دید حقوق کارگران چه میشود زندگی کارگران در این خصوصی سازی ها و یا دولتی کردنها چه میشود. محور را باید حقوق کارگری بگیریم و اینجا هم مشخصا امنیت شغلی کارگران، بیمه بیکاری، افزایش دستمزدها اینهاست مهمترین مسائلی که باید مورد توجه کارگران قرار بگیرد. این بحثی استکه

در سطح بین المللی هم خیلی جاها مطرح میشود. معدنی را مینندند آیا کارگر جلوی بسته شدن معدن را باید بگیرد یا نه؟ بنظرم آنجا هم کارگر نباید وارد آن بحثها شود باید از حقوق خودشان از موقعیت خودشان بعنوان کارگر دفاع بکنند.

سپاوش دانشور: شهلا دانشور مساله آموزش کارگر، آموزش فنی و تکنیکی نیروی کار هم با رشد و تغییری که در صنایع داده میشود مثلا در نساجی ها که امروز در ایران مطرح است این چطور باید در مطالبات کارگری ربط پیدا بکند تا به معیشت و امنیت کارگر برمیگردد؟

شهلا دانشور: همانطور که کاظم نیکخواه اشاره کرد در صنعت نساجی تکنیک فرسوده است و پاسخگوی امروز نیست. بطور طبیعی این صنعت باید بهبود پیدا کند و شرایط کار عوض شود. ولی مساله اصلی این استکه حقوق کارگر چه میشود؟ در جامعه ای که کارگر از حداقل تامین اجتماعی برخوردار نیست، بیمه بیکاری بهش تعلق نمیگیرد کارگر را بیکار میکنند و رها میکنند و بعد به عنوان اینکمه میخواهند تولید را بهبود بدهند. مساله این استکه اگر میخواهید در تکنیک تغییری داده شود باید در رابطه با کارگر اشتغال مجدد و شرایط بهتر کار را ایجاد کنید و سر این مورد برای کارگر باید دوره های

آموزشی گذاشته شود، باید کارگر توانایی ها و تخصصش تامین شود و همواره بهبود پیدا کند تا بتواند در شرایط جدیدی اشتغال به کارش را ادامه دهد. اگر میخواهند تکنیک را تغییر دهند باید ساعت کار فوراً کوتاه شود، تغییر تکنیک باید بنفع موقعیت بهتری برای کارگر باشد حاصل سالها کار کارگر است که تکنیک در جامعه تغییر میکند و جامعه پیشرفت میکند، ولی بجای اینکه حاصل این پیشرفتهای به جامعه و به کارگر برسد به جیب یک مشت آدمهای مفتخور و سرمایه دار میرسد و نتیجه اش میشود فقر بیشتر کارگر فرسوده کردن کارگر و کارگر را میاندازند بیرون با بیست سال سابقه با سی سال سابقه تمام عصاره زندگی اش را کشیده اند و بعد مانند موجودی که بدرد نمیخورد میاندازنش بیرون این تحقیری استکه در کل

ادامه اخبار

مسئولین میکنند. مقامات پالایشگاه میگویند که این تصمیم از بالا اتخاذ شده و موضوع را به اطلاع آنها میرسانند. کارگران این پاسخ را قانع کننده نمیدانند و به اعتراضات خود ادامه میدهند.

تجمع صدها نفر از کارکنان بیمارستان بهشتی قم

تجمع صدها نفر از کارکنان بیمارستان بهشتی قم در جلوی استانداری این شهر که خواهان عملی شدن وعده های داده شده در مورد پرداخت مطالبات حقوقی خود شدند. نماینده تجمع کننده گان میگوید که ۵۰۴ نفر پرسنل بیمارستان تعطیل شده بهشتی، ۲ سال استکه برای دریافت ۱۰ میلیارد ریال مطالبات حقوقی خود در مکانهای مختلف تجمع کرده اند و اعتراض نموده اند، اما جوابی نگرفته اند. برخی از کارکنان معترض از فشار بیکاری و فشارهای روانی در جلوی استانداری قم به گریه افتادند.

آزادی تشکل، حق اعتصاب فوری همین امروز

ادامه بازخوانی کاپیتال مارکس

چه منظوری در این جلسه شرکت میکنند. آیا این جلسه، جلسه ای است که تبیین خود آنها از کاپیتال است مثلاً بحثی که من میکنم میخواهد مقابل بشه باید بحث کنیم. آیا کسانی هستند که کاپیتال را قبلاً خواندند و رویش نظر دارند و میخواهند روی جوانب ظریفتریش بحث شود. آیا کسانی هستند که دفعه اول که اسم این کتاب را میشنوند. کسانی هستند که کتاب را نخواندند و میخواهند فیلمش را رفته باشند که اگر کسی گفت بگویند ما میدانیم داستان چه است. در نتیجه سوال این است که چکار کنیم در این جلسه که به حال تمام کسانی که از زوایای مختلف آمدند اینجا و نشسته اند این جلسه مفیدی باشد. کاری که من فکر کردم این است که این کتاب را میخوانیم یعنی به این معنی که فصل به فصل اش را بهتان میگویم داره چه میگوید و اساسش چی است. کسی که نخوانده آشنا میشود و میتواند برود ولی درعین حال در لابلای بحث نکاتی که شاید بطور فوری از توی خود صفحه های کتاب بیرون نمیزند مثل متد مارکس، جایگاه این بحث در رابطه با بقیه بحثهایی که ممکن است بعداً مطرح شود، اهمیت مقولات، آنها را هم بحث میکنم که اگر کسی قبلاً کتاب را خوانده و به این جنبه های بحث بیشتر

علاقه دارد بتواند برایش قابل استفاده باشد. در مجموع میخواهم این جلسه جوری باشد که اگر این کتاب کسی را از پیش میترسونده و سراغش نمیرفته با این بحث فکر کند که میتواند بره خانه و این کتاب را بگذاره جلوش و بخونه و نمیدونم به چه زبانی چون ترجمه فارسی اش که به لعنت حق نیارزد باید یک زبان خارجی احتمالاً انگلیسی و آلمانی این کتاب را بخواند و ترجمه اسکندری اولاً چاپش خیلی بد است ترجمه اش وقتی دقیق میشی آنقدرها که به نظر میآید بد نیست ولی چاپش اینقدر بد است که هیچ کس فکر نمیکنم سراغ جلد سرمایه ترجمه اسکندری رفته باشد و چیزی ازش فهمیده باشد. در نتیجه به انگلیسی و آلمانی اگر میتوانید فرانسه اگر کسی زبان آنها را بلد است خیلی سراست تر است متن اش از آن چیزی که در فارسی به نظر میآید. اگر این جلسه بتواند کاری بکند که بریم این کتاب را بخوانیم به هدفش خدمت کرده بتواند کاری بکنه که کسانی جست و گریخته بخشهایی اش را خوانده اند یک سیستمی به فکرشون بده راجع به این کتاب و در مجموع معرفی باشد از این کتاب که یکی از مهمترین اسناد جنبش کمونیستی است و یکی از مهمترین اسناد تاریخ مدون بشری است. جلسه موفق

بوده اگر بتواند علاقه مند بکنیم این جمع را و کمک بکند به خواننده شدن این کتاب توسطشان. یک نکته ای که من فکر میکنم باید دقت کرد من در این جلسه این کتاب را میخوانیم ولی من میخواهم بیشتر کاری کنیم که این کتاب را بفهمیم احساس اش کنیم بیشتر از اینکه خواننده باشیم بفهمیم راجع به چیه چه مقولاتی را مطرح میکند چرا این چیزها را میگه و به چه کاری میآد این کتاب. قرار باشه که چه کار کنیم اگر کسی فکر میکنه که اگر این کتاب را بخونه از فردا میتونه بره بورس سهام اینجا سرمایه گذاری کند و پولدار شود، اشتباه است. این کتاب چیزی راجع به این ندارد. میگویند دیوید ریکاردو اقتصاددانی که مهمه اقتصاد کلاسیک قبل از مارکس که مارکس اجرای زیادی بهش داره این در بازار سهام میلیونر شده بود و گویا این علامت این بوده که تئوری هاش درست بوده. ولی ریکاردو در شانزده سالگی بغل دست باباش رفت توی بورس تا ۲۷-۲۸ سالگی میلیونر شده بود گذاشت کنار، چهل سالگی رفت اقتصاد نوشت یعنی تئوری هایش مال بعد از وقتی که توی بورس کار میکرد و کلا ربطی ندارد این مساله. این مساله به تحلیل اقتصاد جاری امروز کمپانی های چند ملیتی با بحران آتی سرمایه داری با انباشت سرمایه

آیا قرار رکود در آمریکا بشه الان یا نه از این کتاب فوراً نمیشه این را فهمید. یک واقعیت را باید در نظر گرفت که مارکس کتاب سرمایه را تمام نکرد شاید اگر تمام میکرد ما به واقعیات جاری اقتصاد سرمایه داری نزدیکتر میکرد ولی این کتاب خاصیتش این نیست که واقعیات را آنطور که در دانشکده درس میدهند اقتصاد اینطوری کار میکند و کمپانی ها اینطوری کار میکنند و بورس اینطوری کار میکند یاد کسی بده همانطور که خواهم گفت این راجع به جامعه سرمایه داری است و اینکه این پدیده چگونه کار میکنه بنیادش رو چی است موضوع مشخصه اش چی است و این مقولات اصلی چطوری به هم ربط دارند. همانطور که گفتم این مهمترین کتابی است که شاید در تاریخ بشریت نوشته شده این اواخر چند وقت پیش بود فکر کنم خیلی بعد از سقوط بلوک شرق یک آمارگیری شد که مهمترین کتاب چی است بین انجیل و کاپیتال اگر درصد بالاتری تو آمار عمومی که مردم راجع بهش حرف زدند مثل ادبا و دانشگاهیان و غیره رای دادند، معلوم شد که کاپیتال کتاب مهمتری است از انجیل. کاپیتال را نه اینجا راحت گیر میآورید نه همه درس میدهند نه فهمیدش نه تو دانشگاه کسی دستش

ادامه در شماره بعد

یک دنیای بهتر
را بخوانید!

بازخوانی کاپیتال مارکس

سخنرانی منصور حکمت در انجمن مارکس لندن - فوریه ۲۰۰۱



نمیدانم مال شما صفحه چند میشه. این معنی این نیست که این ۵۵۰ صفحه را ما اینجا میپوشانیم یا همه صفحاتش را بهش اشاره میکنیم بحثهای اساسی که در این ۵۰۰ صفحه اول مطرح میشه اشاره میکنم و سعی میکنیم مقوله ای جا نیفتد و واضحی که اگر رفقای خونده اند اینو متیونیم راجع به نکاتی که بنظرشان رسیده بحث میکنیم. در سازماندهی این بحث یک مشکلی که من داشتم این بود که هیچ نمیدانم که مخاطبین ما چی میدانند راجع به این کتاب. یا به صفحه ۵

مهمی اینجا است که بعدا راجع به جنبه های انقلابی مارکسیسم و خصلت انقلابی کتاب سرمایه خواهیم داشت. بخش دوم وارد خود کتاب میشویم من این کتاب را فکر کردم توی جلسه امروز به جلد یک فقط میپردازیم وارد جلد دو، سه کاپیتال و جلد چهارش که تئوری ارزش اضافی است نمیشویم ولی در خود جلد یک هم فقط میرسیم به آخر فرمول عمومی سرمایه یعنی تا سر بخش انباشت سرمایه.

بکنم و بعد آخر هر یکساعت یعنی در هرکدام از این یک ساعتها سوال و جوابی در رابطه با بحث های که آنجا در آن مبحث شده خواهیم داشت و اگر لازم باشد شرح و بسط بیشتری بهش بدهیم. در نتیجه سه بخش دارد در این سه بخش من فکر میکنم به این ترتیب تقسیمش بکنیم. میخوام توضیح دهم که میخوام راجع به چی ها حرف بزنیم امروز. بخش اول راجع به جایگاه کاپیتال و جایگاه

از این شماره سخنرانی منصور حکمت در مورد کاپیتال مارکس را شروع میکنیم. این متن از روی نوار پیاده شده و سعی شده است که به همان شکل محاوره ای باشد. این سخنرانی برای اولین بار است که پیاده میشود و لذا مشخص نیست که دقیقا در چند شماره میتوانیم آنرا دنبال کنیم. مسئولیت اشکالات تایپی با سردبیر است.

من فکر کردم این جلسه را در سه بخش اساسا پیش ببریم و بین هر بخش یک تنفس طولانی بدهیم منتها در خود هر بخش من مجبورم به این کتابها رجوع کنم و به فارسی نقل قولی را از این کتاب انگیسی برایتان بگویم یک چند ثانیه ای ممکن احتیاج داشته باشم که مثلا نقل قولی را پیدا بکنم و غیره و بعضا یادشتهایی را مرور کنم. برای اینکه وارد پیچیده گی تو بحث بشویم ممکن است یک دقیقه وسط بحث یا دو دقیقه وسط بحث مجبور بشویم تنفس کنیم تا من بقیه بحث را پیدا بکنم و بتوانم اینجا ارائه

تمام کشمکش قرن بیستم و تمام تجربه میلیونها انسان تو قرن بیستم این کتاب را یک جای درش می بینید یا سعی میکنند از شرش خلاص شن یا سعی میکنند پیادش کنند یه عده سعی میکنند یادش بگیرند و یک عده سعی میکنند تحریفش کنند. بلاخره این کتاب مرکز.

و دیارتمانهای مختلف تولیدی و بعد جلد سه است که راجع به سرمایه های متعدد و مقوله هایی مثل سود، بهره و همینطور تئوری گرایش نزولی نرخ سود و تئوری مارکسیستی بحران و غیره است. امروز بنابراین مفاهیم اولیه را تا سر بحث انباشت سرمایه و بااصطلاح خودگسترده سرمایه راجع بهش صحبت میکنیم میشود تقریبا تا صفحه ۵۵۰ تو کتاب پروگریسی که من دارم

به این دلیل که این بخش خیلی مهمی است و اگر ما این تکه اول را خوب بیوشانیم باقی کتاب را فکر میکنم هر کسی خودش هم مقدار زیادی میتواند دنبال بکند. در جلسه بعدی کاپیتال که دو یا سه جلسه در مجموع میتوانیم راجع به آن صحبت کنیم باقی جلد یک و بخش انباشت سرمایه و بعد انباشت اولیه هست و بحث میکنیم و بعد میریم جلد دو راجع به گردش سرمایه

این کتاب در تئوری مارکسیسم و تو جنبش کمونیستی میخوام صحبت کنم نه در رابطه با اهمیت اخلاقی اش بااصطلاح در رابطه با جایگاه مضمونی اش در تبیین کمونیسم و تبیین مارکسیسم و به این منظور یک مقداری برمیگردیم به بحثهای کتاب ایدئولوژی آلمانی و دیدگاه های مارکس راجع به ماتریالیسم تاریخی و همینطور راجع به تئوری کمونیسم. بنظر من بحث